



گرما به: حمام محلی

پرس و جو: پرسیدن

طیب: پزشک

هوس: آرزو، میل

فرا خواند: صدا زد، دعوت کرد

خون سردی: بردباری، آرامش

پاکیزه تر: تمیزتر، پاک تر

پدرش را از دست داده بود: پدرش فوت

کرده بود

دست بردار نبود: آن را رها نمی کرد

هوشیاری: باهوشی، آگاهی

خرد: عقل

بلند: دراز، افراشته

دست گیرد: کمک می کند

هر دو سرا: دنیا و آخرت

گزند: آسیب، ضرر

برنا: جوان

روزگاران کهن: زمان های قدیم

بخش: قسمت، جا، مکان

خلاصه: به هر حال، کوتاه شده

تصمیم گرفتند: اراده کردند

در دل خندیدند: مسخره کردند

شگفت زده: متعجب، متحیر

فاسد: معیوب، خراب

فرق: تفاوت، اختلاف

بلند آوازه: معروف، مشهور

سمت: سو، طرف

دانایی: آگاهی

سربلندی: سرافرازی

رهنمای: راهنما

دلگشای: خوشایند

سرا: خانه

گرای: گراییدن، میل داشتن

شکوه: جلال، بزرگی

اندیشه: فکر

واژگان مخالف:

نزدیک # دور	بزرگ # کوچک	کهن # جدید
بدبو # خوش بو	خندید # گریست	تازه # کهنه
سالم # بیمار	ساده # مشکل	پاکیزه # کثیف
بلند # کوتاه	برتر # پایین تر	مناسب # نامناسب
توانا # ناتوان	برنا # پیر	بد # خوب

واژگان هم خانواده:

شوق: اشتیاق، تشویق	فاسد: فساد، مفسد	اندیشه: اندیشیدن، اندیشمند
موفقیت: توفیق، موفق	شرط: شرایط، مشروط	طیب: طب، مطب
دانش: دانشمند، دانشگاه	رهنما: راهنمایی	تعجب: متعجب، عجیب، عجایب
		توانا: توانایی، توانمند